

چراپاکستان بجای مبارزه با تروریزم، ولایت شرقی افغانستان را میکوبد؟

به گزارش آژانس اطلاعاتی باختر در روزهای ۲۳ و ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۱ خاک افغانستان یک بار دیگر مورد حملات توپخانه پاکستان قرار گرفت. منبع می افزاید: ولسوالی کامدیش ولایت نورستان دیروز بار دیگر مورد حملات توپخانه بی از آن سوی خط دیورند قرار گرفت. رادیو آزادی نیز در تاریخ ۲۳ سپتمبر خبر داد که اردوی پاکستان خاک افغانستان را مورد فیر توپخانه قرارداد. این رادیو از قول تمیم نورستانی والی نورستان می گوید، اردوی پاکستان ۳۰ مرمی توپ بر منطقه گوردیش ولسوالی کامدیش پرتاب کرده است. تمیم نورستانی به رادیو آزادی گفت که نظامیان پاکستانی به مردم محل هشدار داده اند که اگر منازل شان را ترک نه کنند، آنها به حملات شان دوام می دهند. والی نورستان گفت، تاکنون از تلفات ملکی گزارش در دست نیست. دوماه قبل نیز، عساکر پاکستانی مناطق سرحدی ولایات کنر، نورستان و ننگرهار را برای بیش از چهل روز مورد فیر سلاح ثقیل قرار داده بود، باعث تلفات تعداد زیاد مردم شدند.

روز ۲۴ سپتمبر والی کنر به رسانه های افغانی اظهار داشت که تا کنون ۲۵۰ فیر توپ و راکت از سوی نظامیان پاکستان به داخل افغانستان بر ولسوالی دنگام فیر شده است که ۶ منزل را تخریب نموده و سه کودک را کشته است و مردم محل مجبور به ترک محل شده اند. تاحال از سوی وزارت دفاع و وزارت امور خارجه افغانستان نسبت به این حملات تجاوزکارانه هیچگونه عکس العمل رسمی و جدی گزارش نشده است. گزارشها حاکی است که ظرف سه روز بیش از ۶۵۰ مرمی توپ به ولایت کنر اصابت نموده که بر اثر آن لا اقل پنجمتدین مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند. دلیل این حملات بی شرمانه و تجاوزکارانه پاکستان بر ولایات شرقی نورستان و کنر و ننگرهار چیست؟ این تجاوز مکرر پاکستان بر حریم سیاسی افغانستان از دو حالت خارج نیست:

حالت اول: تحت نفوذ در آرویدن و بشورش واداشتن مردم برضد دولت:

ولایات نورستان و کنر و ننگرهار با داشتن جنگلات وسیع درختان ارچه و نشتر و نیز داشتن معادن گرانبهای سنگ های قیمیتی مینرال و رودخانه های خروشان و پر آب، از غنی ترین ولایات شرقی کشور ما استند که توجه نظامی گران پاکستانی را از مدتها قبل به خود معطوف داشته است. پاکستان تا آنجا که برایش ممکن بوده تلاش کرده است تا سران قومی این ولایات را با نشان دادن زر و زور و وعده های دادن امتیازات مادی بخود وابسته کند و در این راستا از ترور شخصیتهای موثر این ولایات نیز دریغ نورزیده است تا سران و بزرگان مناطق شرقی را بخود وابسته کند و اگر این سیاست موثر واقع نگردد از ضربات راکت و توپخانه نیز در این ولایات کار بگیرد، چنانکه در ظرف همین سال دوبار و هر بار بیش از چهل روز نظامیان پاکستان بوسیله توپخانه خود این ولایات را کوبیده است.

گواه این نیات پاکستان سندی است که شش سال قبل وزارت سرحدات و اقوام و قبایل افغانستان، عنوانی ریاست جمهوری و کاپی آن را به وزارت خانه های امور خارجه و امور داخله و ریاست امنیت ملی رسماً ارسال داشته است. سند در تازه ترین شماره جریده افغان چاپ کابل (شماره ۱۹ جوی ۱۳۸۴) به نشر رسیده است. این سند که دارای شماره (۱۵۷) مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۵ است، به زبان پشتو نوشته شده و حاوی مضمون ذیل است: « بعد از مقدمه ... تقریباً یکسال قبل قوای نظامی پاکستان با نیرنگ و حیل همراه با قوای بین المللی (ضد تروریزم) خط دیورند را اشغال کردند و خود را به هدفهای قبلی خویش رساندند.

اشغال خط مرزی دیورند درجایش باشد، حال حکومت پاکستان میخواهد بزرگان اقوام ساحل شرقی رودخانه کنر، بریکوت، تاری، اسمار و انگام، مروزی، سرکانو، ولسوالی خاص کنر و منطقه مهم استر تیزیک یعقوبی ولسوالی لعل پور مربوط ولایت ننگرهار را که بر کرانه رودخانه کابل، کنر واقع شده است به طرف داری خود متمایل سازد. پاکستان در مناطق مذکور با اقوام مختلف روابط و پیوند خود را محکم ساخته و از طریق دادن امتیازات مادی و موجب و معاش به سران اقوام مذکور در نظر دارد آنها را تحت تاثیر خود قرار بدهد. و از این طریق اقوام ساحل شرقی رودخانه کنر را (ظاهراً از طریق یک شورش قومی) به گردن ما بیندازد و خود بر غندی خیر بنشیند. اقوامی که در ساحل شرقی

رودخانه کتر زندگی میکنند بقرار ذیل اند: گوجر، سالار زی، مومند، اتمانخیل، باجوری، صافی، شینواری. و در ولسوالیهای سرحدی ننگرهار مانند لعل پور و گوشته اقوام: مومند، صافی و شینواری بود وپاش دارند.

برای حکومت افغانستان لازم است تا بصورت عاجل موضوع را تحت نظر جدی بگیرد و هرچه زودتر بساختن بند برق و بند آبگران برای انکشاف زراعت مبادرت نماید. و با اقوام مسکون در ساحل شرقی رودخانه کتر روابط سری و علنی از راه برگزاری جرگه های قومی ایجاد نماید. و هرگاه در این زمینه غفلت شود، از رودخانه کتر مساله رود هلمند درست خواهد شد و برای نسلهای بعدی تاریخی پر از شرم و مشکلات به میراث خواهد ماند. از همه مهم تر نقطه استریتژیکی که اکنون حکومت پاکستان پوسته های سرحدی خود را بر آن جایجا کرده است، کوه "اپله چای" است که از کنار این کوه رودخانه کتر عبور میکند و نقطه حاکمی بشمار میرود که بر هر دو ولایت ننگرهار و کتر حاکمیت دارد و پوسته های پاکستانی میتوانند از این نقطه برای اهداف نظامی کار بگیرند و ولایات کتر و ننگرهار را دچار مشکل کنند. هرگاه به کوه های واقع در شرق ننگرهار و کتر نظر بیندازیم ملاحظه میشود که تمام این کوه ها از جانب ملیشه ها و قوتهای نظامی پاکستانی اشغال شده اند. باتاسف باید گفته شود که نسبت به رودخانه کتر بی پروایی روان است و این بازی با سرنوشت خاک وطن خواهد بود. حکومت باید تمام توجه مادی و معنوی خود را بدانسو معطوف کند.»

این سندیانگر اوضاع سیاسی ولایات کترها و ننگرهار و نورستان است و جای تردیدی باقی نمیگذارد که پاکستان بطور علنی در امور داخلی کشور ما مداخله میکند و نه تنها مانع عمده ثبات و استقرار میگردد، بلکه قصد دارد مردم این ولایات را تحت نفوذ استعماری و استعماری خود در آورد تا هر وقت خواسته باشند آنها را بشورش برضد دولت کابل وادارد.

گرچه بعید به نظر میرسد که افغانها طوق غلامی بیگانه و آنهم طوق غلامی یک غلام تازه آزاد شده چون پاکستان را بگردن اندازند و نسبت به وطن آبایی خود خیانت کنند، اما با تاسف باید گفت که هستند افغانهایی که قدر وطن را نمی دانند و با دشمن وطن همدست میشوند و نسبت به مادروطن خود خیانت میورزند، قرار گرفتن ملاعمر و حکمتیار و مولوی حقانی در کنار پاکستان، این دشمن آشتی ناپذیر ما تایید این ادعا تواند بود.

حالت دوم: دهن کجی کردن با امریکا

به نظر میرسد که فشارهای سیاسی و اقتصادی امریکا بر پاکستان، در این اواخر دولت مردان و نظامیان آنکشور را چنان عصبانی ساخته است که درد آن را از گرده مردم فقیر و هر دم شهید و بی سر و بی سر کرده ولایات شرقی افغانستان میگیرد، پاکستان بخوبی میدانند که در افغانستان یک اردوی ملی و یک حکومت مصمم و متکی بر اراده ملی حاکم نیست تا از منافع علیای کشور در برابر تجاوزات پاکستان دفاع نماید. در عین حال نظامیان پاکستانی میدانند که رهبران جهادی با همه لاف و پیتاقی که در برابر مداخله پاکستان در این روزها بخاطر ترور ربانی میزنند، همان های اند که بخاطر خدمات اجنتوری و جاسوسی خود نزد آی اس آی دهن پر اب هستند و غیرت هیچگونه رویارویی با آنشکور را ندارند. در عین زمان احتمالاً پاکستان با این عمل تجاوزکارانه خود میخواهند نوعی دهن کجی به امریکائیان مستقر در افغانستان نیز بنمایند تا اگر مایل به جنگ با آنها و دفاع از افغانستان باشند، به کوه های سر به آسمان نورستان و کتر خوش آمدند .

روابط بین امریکا و پاکستان در طی یک سال گذشته بطور آرامی رو به تیره گی و تنش بوده است ولی اکنون کاملاً علنی شده است. پس از قتل بن لادن در ابیت آباد در نزدیکی اسلام آباد در شب اول ماه می ۲۰۱۱ و همزمان با آن اعتراض سناتوران امریکائی بر نحوه اعطای کمک های امریکا به پاکستان که سالانه تا سقف یک و نیم میلیارد دلار میرسد، و بالاخره مسدود کرده ۸۰۰ میلیون دالر کمک نظامی امریکا به اردوی پاکستان در دهم جولای امسال، روابط امریکا و پاکستان را بیشتر از پیش تیره ساخته است.

تقریباً نزدیک به دو سال است که امریکا از پاکستان میخواهد تا علیه شبکه حقانی، در ایالت وزیرستان شمالی دست به عملیات نظامی بزند ولی پاکستان به بهانه های مختلف به این خواست امریکا عمل نکرده و این سبب آزار و نگرانی امریکا از پاکستان شده است. ارتباط بین شبکه حقانی و سازمان استخبارات نظامی آی اس آی پاکستان، مدتی است در رسانه ها و محافل سیاسی مطرح شده و پاکستان همواره این اتهامات را تکذیب کرده است. اما اتهامات روز پنجشنبه امیر البحر مایک مولن، با آنچه در گذشته علیه پاکستان مطرح شده بود، تفاوت زیادی داشت. اظهارات او به نحو بی سابقه ای صریح و مشخص بود.



به گزارش رادیو آزادی (۲۳/ ۰۹/ ۲۰۱۱) مایک مولن، لوی درستیز قوای مسلح امریکا با کلمات واضح گفت که: اداره آی اس آی پاکستان از شبکه حقانی حمایت می کند. او تصریح کرد که انفجار یک لاری در دهم ماه سپتمبر در ولایت وردک که در نتیجه آن ۵ عسکر افغان کشته و ۷۷ عسکر امریکایی زخمی شدند و حمله گروه حقانی بر سفارت امریکا در کابل، به کمک آی اس

آی پلان شده بود. او علاوه نمود: «شبکه حقانی در حقیقت به حیث بازوی راست اداره استخبارات پاکستان آی اس آی، عمل می کند. شبکه حقانی با حمایت آی اس آی حملات اوپراتیوی شان را پلان می کند و حمله بمبی ماه جاری میلادی که مواد منفجره در یک موتر لاری جابجاشده بود و همچنان حمله بر سفارت ما در کابل را، تنظیم کرده است.»

وی افزود: «با استفاده از خشونت و افراطیت بحیث یک وسیله در انتخاب یک پالسی، حکومت و بطور خاص اردو و آی اس آی نه تنها همکاری استراتژیک را با امریکا به خطر مواجه می سازد، بلکه چانس پاکستان را به حیث یک کشور مشروع، با نفوذ و قابل احترام در منطقه نیز از بین می برد.»

مایک مولن هشدار داد که پاکستان تنها و تنها با اجتناب ازین پالسی می تواند آینده مثبت در پیش داشته باشد. او گفت: «آنها شاید فکر کنند که با استفاده از جنگجویان بیگانه منفعت آینده خود را یقینی می سازند و یا به نظر آنها عدم تعادل رقابت های منطقوی را رنگ تازه می دهند. اما در حقیقت آنها این بازی را از قبل باخته اند. آنها با صدور خشونت ها امنیت داخلی و موقف منطقوی شان را از بین می برند، به اعتبار بین المللی خود صدمه می رسانند و رفاه اقتصادی خود را به خطر مواجه می سازند. اما تنها وداع با این پالسی راه به سوی آینده پاکستان باز خواهد شد.»

بگزارش تلویزیون آشنا از امریکا، روزیکشنبه ۲۵ ستمبر سناتورگراهام، یک عضو جمهوری خواه در کمیته نظامی سنای امریکا اظهار داشت، در صورتی که پاکستان به حمایت حملات تروریستی علیه نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان ادامه دهد، ایالات متحده امریکا باید زمینه های اقدام نظامی علیه پاکستان را مورد بررسی قرار دهد.

وی همچنان گفت که ما نمیتوانیم هنگام بخاک سپاری عساکر امریکایی بگوئیم: متأسفیم که جانش را در مبارزه با تروریسم در افغانستان از دست داد! وی علاوه نمود باید کمک ها به این کشور مورد بازنگری قرار گیرد و ایالات متحده امریکا نباید وجهی را به عنوان مساعدت مالی در اختیار این کشور قرار دهد و نه روابطی - به استثنای روابطه داد و ستد دوجانبه - را با این کشور نگهدارد. «آنها نیروهای امریکایی را به هلاکت می رسانند. اگر آنها (حکومت پاکستان) بر اساس استراتژی ملی شان به حمایت از تروریسم ادامه دهند، ما از هرگزینه به شمول دفاع از نیروهای مان در افغانستان، استفاده خواهیم کرد.»

"بگزارش روزنامه ۸ صبح، تحلیلگران مسایل سیاسی می گویند دولت افغانستان باید از فرصت بدست آمده استفاده کرده و به جامعه جهانی ثابت کند ادعایی که در ده سال گذشته مبنی بر دخالت پاکستان در امور افغانستان داشته درست بوده است. این روزنامه از قول محمود صیقل معین پیشین وزارت خارجه و تحلیلگر مسایل بین المللی می گوید: مایک مولن از مقامات بلندرتبه نظامی ایالات متحده می باشد و اظهارات او می تواند در سیاست های امریکا علیه پاکستان تغییرات جدی وارد کند به این دلیل افغانستان نیز باید فرصت بدست آمده را هدر نهد.

به گفته آقای صیقل در چنین وضعیتی افغانستان به دستگاه دیپلوماسی فعالتر نیاز دارد: «ما ضرورت داریم به یک دستگاه دیپلوماسی بسیار فعال که بسیار زود خواسته های مشترک افغانستان و امریکا را باهم گره بزند و مخصوصا عوامل حملات بر افغانستان را که حالا مشخص شده که استخبارات پاکستان است را آشکارا اعلام نماید.» صیقل می گوید در صورتی که افغانستان به موقع و درست اقدام کند می تواند در این مقطع زمانی برای ریشه کن کردن عوامل خشونت و ترور در منطقه اقدام نماید. آقای صیقل می گوید در صورتی که امریکا فشارهای عملی را بر پاکستان بیشتر نکند این کشور دست از حمایت از شبکه های افراطی در خاک خود برنخواهد داشت.

این تحلیلگر مسایل سیاسی می گوید: ایالات متحده امریکا می تواند با همکاری چهار عضو دیگر شورای امنیت یک طرح ریفورم را برای دستگاه نظامی و استخباراتی پاکستان بریزد طوری که آن عده از فرماندهان کارگشته ارتش پاکستان که خشونت را راهی برای ادامه حیات پاکستان می دانند از کار برکنار شوند در آن صورت امکان آن وجود دارد که در سیاست نظامی های پاکستان در حمایت از تروریسم تغییر به وجود خواهد آمد. او می گوید تا زمانی که عناصری که در سیستم نظامی و استخباراتی پاکستان در حمایت از تروریسم عمل می کنند از سیستم خارج نشوند، بحران در منطقه پایان نخواهد یافت." (۸ صبح، ۲۴/۹/۲۰۱۱)

پاکستان در نظر دارد تا از راه فشار و تطمیع عناصرضعیف تنظیمی و سران اقوام را، وابسته بخود بسازد و در قدم اول دولت افغانستان را وادار به برسمیت شناختن خط دیورند نماید و مجبور کند که پای کشور هند را از افغانستان قطع نماید. در غیر اینصورت به حملات متناوب توپخانه خود بر مردم ولایت شرقی تا آنجا ادامه بدهد که بخش هایی از جنوب و شرق کشور را بخود ملحق نماید و از طریق عناصر وابسته بخود این کشور را دچار تجزیه سازد. وظیفه روشنفکران و ملیگرایان افغانستان است تا در افشای توطئه های پاکستان و تجاوزات آن برکشور بی تفاوت نمانند و پارلمان متفرق افغانستان را متوجه این تجاوز پاکستان بنمایند که بجای گریه برمرگ ربانی، فکر دفاع در برابر تجاوزت پاکستان را بکنند که حیات و هستی و عزت مردم درگرو دفاع از تمامیت ارضی کشور نهفته است. و هیچ دلیلی برای بی تفاوتی دولت در قبال این وضعیت نزد مردم افغانستان قابل پذیرش نیست.

پایان ۲۵/۹/۲۰۱۱

د پانو شمېره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درېنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادښت: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ